





دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه الهیات

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته ی فلسفه و حکمت اسلامی

عنوان پایان نامه

بررسی تطبیقی نفس در حکمت اشراقی سهروردی و حکمت  
متعالیه ی ملاصدرا

استاد راهنما

دکتر امیر شیرزاد

استاد مشاور

دکتر اسداله آژیر

نگارش

محمد گودرزی

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات و

نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه

متعلق به دانشگاه رازی است.

## تقدیم به :

آنانی که برآند تا از خویشان خویش قدمی بیرون نهند!!

که سودها کنی ار این	بعزم مرحله ی عشق
سفر توانی کرد	«پیش نه قدمی»
کجا بکوی طریقت گذر	تو کز سرای طبیعت
توانی کرد	نمیروی بیرون
غبار ره بنشان تا	جمال یار ندارد نقاب
نظر توانی کرد	و پرده ولی
به شاهرآه حقیقت گذر	گر این نصیحت شاهانه
توانی کرد	بشنوی حافظ

## سیاس نامه

سیاسگزارم:

- از استاد ارجمند جناب آقای دکتر امیر شیرزاد که راهنمایی پایان نامه را تقبل فرمودند و با رهنمون های مدبرانه ی خویش بنده را مورد عنایت خود قرار دادند.

- از استاد ارجمند جناب آقای دکتر اسداله آژیر که مشاورت پایان نامه را تقبل فرمودند و با رهنمودهای روشنگرانه ی خویش بنده را مورد لطف خود قرار دادند.

- از اساتید محترم گروه فلسفه و حکمت جناب آقای دکتر زین العابدینی و سرکار خانم دکتر اسفندیاری از اینکه مرا بر سر سفره ی دانش خویش نشانند.

## چکیده :

من کیستم؟! حقیقت من چیست؟! از کجا آمده ام؟! آمدنم بهر چه بود؟! به کجا می روم؟! این دست پرسش ها، پرسش هایی بنیادین است که همواره ذهن پرسشگر آدمی را به خود مشغول داشته اند. از این رو فلاسفه تلاش نموده اند تا به این پرسش های بنیادی ن پاسخی درخور و مناسب دهند. رگه های آغازین پرداختن جدی به مسأله ی نفس، به فلاسفه یونان باستان، همچون فیثاغورث بر می گردد. سپس این مسأله در زمانه ی سقراط و افلاطون و ارسطو به شکلی نظام مند با عمق بیشتری پی گرفته شد. فلاسفه ی اسلامی نیز با توجه به تأکید اسلام بر " شناخت نفس" به طور عالمانه ای به آن پرداختند. فارابی، ابن سینا، فخر رازی و خواجه طوسی از جمله فلاسفه بزرگی اند که درباره ی نفس و حقیقت آن اندیشیده اند، نظر داده اند و برغناهی علم النفس فلسفی افزوده اند؛ این جریان نفس شناسی استمرار یافت تا اینکه در حکمت اشراقی و حکمت متعالیه، رویکرد نوینی به خود گرفت. سهروردی بر اساس نظام نوری فلسفی خویش، تبیین نوینی از نفس و حقیقت آن عرضه نمود. ملاصدرا نیز بر مبنای حکمت صدرائی با تکیه بر آرای حکمای الهی، طرحی نو در انداخت؛ به گونه ای که بنابر ادعای خودش، دو جریان افلاطون یان و ارسطوئیان را به هم پیوند داد. این پژوهش تحت عنوان " بررسی تطبیقی نفس در حکمت اشراقی سهروردی و حکمت متعالیه ی ملاصدرا " با نگاهی تحلیلی - تطبیقی به مباحثی همچون تعریف و ماهیت نفس، قوای نفس، انواع نفس، اثبات وجود نفس، اثبات تجرد نفس، حدوث یا قدم نفس و جاودانگی نفس در دو حکمت اشراقی و صدرائی می پردازد و با نظری گذرا به پیشینه ی علم النفس فلسفی، شباهت ها و تفاوت های این دو دیدگاه را بیان و تبیین می

نماید. آنچه از این تحقیق به دست می آید آن است که این دو فیلسوف با تکیه بر آرای حکمای الهی و نقد و بررسی آنان ، علم النفس فلسفی نوینی به حوزه فلسفه ی اسلامی عرضه نموده اند، که با وجود تفاوت های بنیادین ، دارای شباهت های بسیاری نیز می باشند.

**کلید واژه ها:** شیخ اشراق ، صدرالمتألهین، علم النفس، انواع نفس، قوای نفس، تجرّد نفس، حدوث یا قدم نفس، جاودانگی نفس

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
1	پیشگفتار
3	فصل اول طرح پژوهش
4	1- طرح پژوهش
4	1-1- شرح موضوع پایان نامه
4	1-2- بیان مسأله و پیشینه تحقیق
5	1-3- اهداف پایان نامه
5	1-4- اهمیت، ارزش و کاربرد نتایج پایان نامه
6	1-5- فرضیه ها یا سؤال های تحقیق
6	1-6- روش تحقیق
7	فصل دوم تعریف نفس و ماهیت آن
8	2- تعریف نفس و ماهیت آن
8	2-1- سهروردی و تعریف نفس و ماهیت آن
9	2-1-1- تعریف نفس
11	2-1-2- تحلیل
13	2-2- ملاصدرا - تعریف نفس و ماهیت آن
13	2-2-1- تحلیل
16	2-3- تطبیق
16	2-3-1- شباهت ها
16	2-3-2- تفاوت ها
18	فصل سوم انواع نفس
19	3- انواع نفس
20	3-1- سهروردی - انواع نفس
24	3-1-1- تحلیل
25	3-2- ملاصدرا - انواع نفس



28	..... تحلیل	3-2-1-1
28	..... تطبیق	3-3-3
28	..... شباهت ها	3-3-1-1
29	..... تفاوت ها	3-3-2-2
31	..... فصل چهارم قوای نفس	
32	..... قوای نفس	4-4
37	..... سهروردی و قوای نفس	4-1-1
38	..... قوای نفس نباتی	4-1-1-1
38	..... تبیین نوین قوای نفس نباتی	4-1-2-2
39	..... قوای نفس حیوانی	4-1-3-3
41	..... تبیین نوین از قوای نفس حیوانی	4-1-4-4
45	..... قوای نفس ناطقه ی انسانی	4-1-5-5
46	..... تحلیل	4-1-6-6
49	..... ملاصدرا و قوای نفس	4-2-2
49	..... قوای نفس نباتی	4-2-1-1
51	..... قوای نفس حیوانی	4-2-2-2
52	..... اختلاف ملاصدرا با دیگر حکما درباره ی قوای حسی	4-2-3-3
53	..... اختلاف دیدگاه ملاصدرا درباره ی قوه خیال	4-2-4-4
54	..... قوای نفس ناطقه ی انسانی	4-2-5-5
58	..... عقل قدسی	4-2-6-6
59	..... مراتب عقل عملی از نگاه ملاصدرا	4-2-7-7
60	..... ملاصدرا و «النفس کل القوی»	4-2-8-8
62	..... تحلیل	4-2-9-9
65	..... تطبیق	4-3-3
65	..... شباهت ها	4-3-1-1
66	..... تفاوت ها	4-3-2-2

69	فصل پنجم اثبات وجود نفس
70	5- اثبات وجود نفس
71	5-1-1- سهروری و اثبات وجود نفس
75	5-1-1- تحلیل
77	5-2- ماصدرا و اثبات وجود نفس
79	5-1-2- تحلیل
81	5-3- تطبیق
81	5-1-3- شباهت ها
81	5-2-3- تفاوت ها
83	فصل ششم اثبات تجرد نفس
84	6- اثبات تجرد نفس
87	6-1- سهروردی و اثبات تجرد نفس
89	6-1-1- دلایل اثبات تجرد نفس
93	6-2-1- تحلیل
95	6-2- ماصدرا و اثبات تجرد نفس
95	6-1-2- دلایل اثبات تجرد نفس حیوانی
97	6-2-2- دلایل اثبات تجرد نفس انسانی
107	6-3-2- تحلیل
111	6-3- تطبیق
111	6-1-3- شباهت ها
112	6-2-3- تفاوت ها
113	فصل هفتم حدوث یا قدم نفس
114	7- حدوث یا قدم نفس
118	7-1- سهروردی - حدوث یا قدم نفس
120	7-1-1- دلایل سهروردی
122	7-2-1- تحلیل

124	.....	2-7- ملامدرا - ؤوآ یا قءم نفس
128	.....	1-2-7- ءلایل ملامدرا
133	.....	2-2-7- ءءلیل
137	.....	3-7- ءطبیق
137	.....	1-3-7- شباهء ها
138	.....	2-3-7- ءفاوء ها
140	.....	فصل هشءم ؤاوءانگی نفس
141	.....	8- ؤاوءانگی نفس
143	.....	1-8- سهروردی و ؤاوءانگی نفس
145	.....	1-1-8- سرنوشت نفوس ءر ءیءگاه سهروردی
151	.....	2-1-8- ءناسء ءر ءیءگاه سهروردی
154	.....	3-1-8- ءءلیل
158	.....	2-8- ملامدرا و ؤاوءانگی نفس
160	.....	1-2-8- بقاء نفس از ءیءگاه ملامدرا
164	.....	2-2-8- ءبیلن بقاء نفس و علت بقاء آن
165	.....	3-2-8- علت بقاء نفس
166	.....	4-2-8- سرنوشت نفوس ءر ءیءگاه ملامدرا
170	.....	5-2-8- ءناسء ءر ءیءگاه ملامدرا
172	.....	6-2-8- ءءلیل
175	.....	3-8- ءطبیق
175	.....	1-3-8- شباهء ها
176	.....	2-3-8- ءفاوء ها
178	.....	نءیءه گیری
183	.....	منابع
188	.....	ءءیءه انگلیسی

## پیشگفتار

اندیشه ورزی همزاد آدمی و اندیشه‌گی در ذات آدمی است . اندیشیدن، تاریخی به قدمت پیدایش آدمی دارد . از زمانی که انسان خلق شده است اولین و نخستین درکی که بی واسطه از هستنده‌ها داشته، درک از «نفس خود» بوده است . همین درک حضوری بی‌واسطه از خویشتن خویش، این پرسش‌ها را در ذهن فکور این موجود ذرّاک نشانده که : من کیستم؟ ماهیت من چیست؟ از کجا آمده ام؟ آمدنم بهر چه بود؟ به کجا می روم؟ عاقبت من چه می شود؟ تلاش برای پاسخ به این پرسش های اساسی باعث پیدایش علوم مختلفی شد ، که یکی از مهمترین آنها، علم النفس فلسفی است.

پرسش از چیستی نفس و مباحث نفس از دیرباز فلاسفه را به خود مشغول داشته است ، از این روی هرکدام بر اساس مبانی فکری خویش و با توجه به یافته های علوم رایج زمان خود، تلاش نموده اند تا پاسخی در خور و شایسته به آن پرسش ها بدهند . شیخ اشراق و ملاصدرا نیز از این امر مستثنی نیستند . از این جهت بخش قابل توجهی از آثار این دو فیلسوف به بررسی، تبیین و تحلیل نفس و مسائل آن اختصاص یافته است . این دو، هرکدام به نحوی تلاش نموده اند تا بر اساس نظام فکری فلسفی خویش به پرسش‌های اساسی‌ای که پیرامون نفس مطرح بوده ، پاسخ دهند و دیدگاه خویش را بیان نمایند.

این پژوهش تحت عنوان «**بررسی تطبیقی نفس در حکمت اشراقی سهروردی و حکمت متعالیه ی ملاصدرا**» تلاشی است جهت بیان و تبیین و تحلیل تطبیقی دیدگاه های این دو حکیم ، درباره‌ی مباحثی همچون اثبات وجود نفس، تعریف و ماهیت نفس، قوا و انواع نفس، اثبات تجرد نفس، حدوث و قدم نفس و بقا و جاودانگی نفس. بر اساس این مباحث این پایان نامه در هشت فصل نگارش و تدوین یافته که از این قرارند:

- فصل اول:** در این فصل به مباحث کلی تحقیق ، همچون موضوع پایان نامه، شرح و بیان مسأله، اهداف پایان نامه، اهمیت و ارزش و کاربرد پایان نامه، فرضیه ها یا سؤالات تحقیق و روش تحقیق پرداخته شده است.
- فصل دوم:** نگارنده در فصل دوم به تعریف نفس و ماهیت آن در دیدگاه سهروردی و ملاصدرا پرداخته ، سپس با رویکردی تحلیلی - تطبیقی آن را بر رسیده است.
- فصل سوم :** فصل سوم به انواع نفس می پردازد. ابتدا نگارنده نگاهی اجمالی به نوع نگاه ح کماي پیشین همچون

- ابن سینا داشته، سپس به دیدگاه های این دو حکیم پیرامون انواع نفس و تحلیل و تطبیق آن می‌پردازد.
- 4 **فصل چهارم:** این فصل به طور مفصل ابتدا نگاهی تاریخی به دیدگاه حکمای پیشین درباره‌ی قوای نفس دارد. سپس به بیان دیدگاه های سهروردی و ملاصدرا و تحلیل و تطبیق شباهت‌ها و تفاوت های آن می‌پردازد.
- 5 **فصل پنجم:** فصل پنجم به بررسی دلایل اثبات وجود نفس می‌پردازد. این دو حکیم با الهام از ابن سینا بر ای اثبات وجود نفس، دلایلی را اقامه می‌نمایند که برخی از آن دلایل «مطلق نفس» را اثبات می‌کنند و برخی دیگر «نفس خاصی» را اثبات می‌نمایند.
- 6 **فصل ششم:** در فصل ششم به بررسی دلایل اثبات تجرد نفس پرداخته می‌شود و به تحلیل تطبیقی دیدگاه های این دو حکیم می‌انجامد.
- 7 **فصل هفتم:** نگارنده در فصل هفتم با ذکر دیدگاه های مختلف، درباره‌ی حدوث و قدم نفس به بررسی تطبیقی دیدگاه سهروردی و ملاصدرا می‌پردازد.
- 8 **فصل هشتم:** فصل هشتم با ذکر تاریخچه ای مختصر از نوع نگاه نحله‌های فکری، به مسأله‌ی بقای نفس، بررسی تحلیلی ادله‌ی این دو حکیم درباره‌ی جاودانگی نفس و شباهت‌ها و تفاوت‌های آن‌ها را پی می‌گیرد.

# فصل اول

## طرح پژوهش

## 1- طرح پژوهش

### 1 1 - شرح موضوع پایان نامه

موضوع این پایان نامه «بررسی تطبیقی نفس در حکمت اشراقی سهروردی و حکمت متعالیه ی ملاصدرا» است. شناخت نفس و فهم حقیقت آن و تعریف و تبیین ماهیت آن، یکی از ذهن مشغولی های فلاسفه ی بزرگ بوده است، زیرا شناخت نفس، در حقیقت شناخت حقیقت وجود آدمی است. انسان با شناخت خویشتن خویش، به جایگاه واقعی خود در منظومه ی هستی واقف می شود و بر اساس این شناخت، نسبت خود را با دیگر ساحت های هستی واقعی تر می کند. فهم خود از عالم و آدم را عمق می بخشد و به حوزه ی توانمندی های خود وقوف بهتری می یابد. سهروردی و ملاصدرا، به مانند فلاسفه ی بزرگ، به مسأله ی نفس و تعریف ماهیت و تبیین حقیقت آن همت گمارده اند و بخش قابل توجهی از آثارشان را بدان اختصاص داده اند. در این پژوهش تلاش بر آن است تا به بررسی تطبیقی نفس، در دو مکتب حکمت اشراق و حکمت متعالیه، پرداخته شود و نوع نگاه این دو فیلسوف به مسأله ی نفسی همچون تعریف و ماهیت نفس، قوا و انواع نفس، اثبات وجود نفس، اثبات تجرد نفس، حدوث و قدم نفس و بقا و جاودانگی نفس، به بحث و بررسی گذاشته شود.

### 1 2 - بیان مسأله و پیشینه تحقیق

مسأله ی نفس از جمله موضوعات مهم و بنیادینی است، که هم ادیان و هم فلاسفه ی بزرگ شرق و غرب بدان پرداخته اند. موضوعی که همواره ذهن پرسشگر فیلسوف را به خود مشغول داشته است و آن را واداشته تا با رمزگشایی، به اسرار این حقیقت پنهان دست یابد و به تبیین و توضیح و معرفی آن بپردازد. نخستین فیلسوفی که رساله ای مستقل از نفس برجای گذاشته است، ارسطوست. (ملکی، 1389: 9) در عالم اسلام نیز فلاسفه ی بزرگی همچون ابن سینا، فخر رازی، سهروردی و ملاصدرا به مباحث مهمی همچون اثبات وجود نفس، اثبات تجرد نفس، حدوث و قدم نفس و جاودانگی نفس، به شکلی عالمانه، پرداخته اند.

سهروردي اين مباحث را در آثاري همچون *حكمة الاشراق*، رساله الواح عماديه، *كلمة التصوف*، *هياكل النور*، *يزدان شناخت*، پرتونامه و ... به بحث گذاشته است. بعدها ملاصدرا نيز اين مباحث را به طور مفصل تري به ويژه در كتاب *الأسفار الأربعة* دنبال کرده است. البته وي در ديگر آثارش همچون: *الشواهد الربوبية*، *الحكمة العرشية*، *المبدأ و المعاد* و ... در مقام تعريف و تبين نفس و مباحث آن بر اساس نظام فكري صدرائي برآمده است. فلاسفه ي معاصر نيز، در حد وسع خود، به تبين و شرح و بسط آن دیدگاه ها همت گماشته اند. علامه ي طباطبائي در برخي از آثارش به مسأله ي نفس پرداخته است. جوادي آملی در شروحي که بر کتب ملاصدرا دارد، به بيان دیدگاه هاي خویش پرداخته است. حسن زاده آملی در برخي از آثارش همچون *شرح العيون في شرح العيون* و شرح خود بر *نمط سوم اشارات و تنبيهات ابن سينا*، به مسأله ي نفس پرداخته است. مصباح يزدي در شرح ي که بر جلد هشتم *اسفار اربعة نگاشته*، به تبين و نقد دیدگاه هاي فلاسفه ي پيشين و ملاصدرا همت گمارده است. اين بحث امروزه همچنان ادامه دارد. به گونه اي که فلسفه پژوهان معاصر به بررسي و نقد دیدگاه حکماي پيشين پرداخته اند. غلامرضا فياضي کتابی با عنوان *علم النفس فلسفي*، غلامرضا رحمانی با عنوان *خودشناسي فلسفي و مرتضي پويان با نام معاد جسماني*، در حکمت متعالیه، به رشته ي تحرير درآورده اند. مقالات بسياري نيز درباره ي نفس و مباحث آن، در مجلات علمي - پژوهشي، به چاپ رسیده. از جمله رابطه ي نفس و بدن از دیدگاه شيخ اشراق، از خانم کامراني در مجله ذهن و بقاء نفس از دیدگاه ملا صدرا، از هادي موسوي در فصلنامه ي تخصصي نقد و نظر.

### 1 3 - اهداف پايان نامه

- 1 بررسي تطبيقي نفس - مباحث و مسائل آن - در دیدگاه سهروردي و ملاصدرا: شباهت ها - تفاوت ها - نوآوری ها.
- 2 تلاش براي فهم علمي تر از مقوله ي نفس: توانمندی ها - محدودیت ها.
- 3 تلاش براي فهم واقعي تر از جایگاه و نقش حقيقت وجودي انسان (نفس)، در منظومه ي هستي: نسبت ها - نقش ها - کارکردها.

### 1 4 - اهميت، ارزش و کاربرد نتايج پايان نامه:

يکي از مهم ترين مسائل که همواره ذهن پرسشگر آدمي را به خود مشغول داشته است، مسأله ي شناختن خویشتن خویش است. با آغاز حیات آدمي و پیدایش تفکر، همواره اين پرسش براي وي



مطرح بوده است که «من کیستم؟» پاسخ به این پرسش، قدمتی به درازنای تاریخ حیات آدمی دارد. در طول تاریخ، بشر همواره تلاش نموده تا خود و توانمندی های روحی و جسمی خود را بشناسد. این تلاش همواره با حیات نوع بشر قرین بوده، هم اکنون نیز جاری است و در آینده نیز خواهد بود. پاسخ به این پرسش بنیادین می تواند نوع نگاه آدمی را به هستی و مبدأ و غایت آن مشخص نماید و نقش وی را در منظومه ی هستی تبیین نماید. بر این اساس آدمی نوع چگونه زیستن خود را، بر مبنای پاسخی که به این پرسش اساسی می دهد، تعیین می کند و به نوع نقش و جایگاه خود در میان دیگر هستندگان پی می برد. بیشک شناخت نوع نگاه فلاسفه ی بزرگ از حقیقت آدمی، انسان را در این امر مهم یاری می رساند.

## 1 5 - فرضیه ها یا سؤال های تحقیق

- 1- وجوه مشابهت و اختلاف دیدگاه سهروردی و ملاصدرا درباره هویت نفس چه می باشد؟
- 2- سهروردی و ملاصدرا نفس را حادث می دانند یا قدیم؟
- 3- دلایل مجرّد بودن نفس در نزد سهروردی و ملاصدرا چیست؟
- 4- نوع ارتباط نفس با بدن و قوای ادراکی آن، در اندیشه ی سهروردی و ملاصدرا، چگونه تبیین می شود؟

## 1 6 - روش تحقیق:

این روش بر اساس روش کتابخانه ای و با مطالعه ی منابع مربوطه و جمع آوری فیش، سپس تدوین و در نهایت به شکل توصیفی - تطبیقی پی گرفته می شود و ارائه می گردد.

فصل دوم

تعریف نفس و ماهیت آن

## 2- تعریف نفس و ماهیت آن

### 1-2- سهروردي و تعريف نفس ه ماهيت آن

پیش از اینکه به تعریف نفس از دیدگاه سهروردي بپردازیم، ابتدا لازم است که نوع نگاه سهروردي و نقد وي بر تعریف از دیدگاه فلاسفه ي مشائي را بيان کنیم . سپس از منظر سهروردي به تبیین تعریف وي از نفس بپردازیم .

سهروردي ادعای فلاسفه ي مشاء را در «تعریف» نمی‌پذیرد . وي ابتدا نقد خود را با ذکر شرایط تعریف می‌آغازد . به این معنی که اگر بخواهیم چیزی را برای کسی ، که آن را نمی‌شناسد معرفی کنیم ، باید شرایط زیر را در تعریف آن لحاظ کنیم .

1- شرط اول آن است ، که تعریف يك شئ مي باید به وسیله ي اموري صورت گیرد که مختص به آن شئ باشد . این اختصاص به سه شکل قابل تصور است : «یا به حسب مختص بودن هر يك از آن امور به آن شئ یا به حسب مختص بودن بعضي از آن امور به آن شئ و یا آن امور ، بالاجتماع مختص آن شئ باشند .» (سهروردي ، 1388: 31 و سهروردي ، 1388 (حکمة الاشراق) ، ج 2: 18)

2- شرط دومي را که سهروردي توصیه مي نماید ، آنست که آن امور مختصي را که در تعریف شئ به کار مي‌بريم ، باید از خود شئ ، آشکارتر و شناخته شده تر باشد . به گونه اي که در آن آشکارگي نه هم وزن آن باشند و نه پنهان تر از آن و نه شناختش در گرو شناخت چیزی باشد که با معرف شناخته مي شود . (همان)

سهروردي بعد از ذکر شروط تعریف ، به نقد و رد دیدگاه فلاسفه ي مشائي می‌پردازد ، که تعریف اشیاء را با «حد و رسم» ممکن می‌دانند . وي می‌گوید: «بعض مردم ، قول دال بر ماهیت شئ را به نام «حد» اصطلاح کرده است که دال بر ذاتیات و امور داخل در حقیقت شئ است . او تعریف حقیقت با امور خارج از

حقیقت را به نام «رسم» اصطلاح کرده است» (همان: 32 و همان: 19)

سپس با ذکر سلسله مثال هایی از اشیاء حسی و تحلیل آنها، امکان تعریف اشیاء حسی را به حد و رسم ناممکن دانسته، تا چه رسد به تعریف موجودات غیر حسی (همان: 33 و همان: 20)

سهروردي نقدش را در قاعده اي تحت عنوان «ویران سازی قاعده ي مشائیان در باب تعریف» ادامه مي دهد و علت ناممکن بودن تعریف به «حد تام» را تبیین مي کند. نکته ي کلیدی که در این قاعده، سهروردي بر روي آن دست گذاشته و مبناي نقد خود را بر آن بنیان نهاده، ناممکن بودن شناخت ذاتي خاص شی یا همان «فصل» مي باشد. وي با اثبات محال بودن شناخت ذاتي خاص شی، بنیان تعریف حدي مشائیان را ویران مي سازد. سهروردي نقد خود را اینگونه آغاز مي کند، که مشائیان بر این باورند که در تعریف «حد تام» يك شی، «ذاتي عام» و «ذاتي خاص» ذکر مي شود و آن ذاتي عام را که جزء ذاتي عام دیگری نیست، جنس مي نامند و ذاتي خاص را فصل نام مي نهند. سپس به یکی از بنیادی ترین دیدگاه فلاسفه ي مشاء، در حوزه ي معرفت شناسي اشاره مي کند، که بر این باورند «مشائیان این را پذیرفته اند که به مجهول فقط از معلوم مي توان رسید.» (همان: 34 و همان) سهروردي با ذکر این مقدمات، نقد خود را بر تعریف به حد تام در پیش مي گیرد و مي گوید: فلاسفه ي مشائي بر این باورند، که براي شناخت هر شی ابتدا لازم است، «ذاتي خاص» آن شی شناخته شود، تا با شناخت آن، شی را بشناسیم و بشناسانیم. سهروردي این دیدگاه را این گونه نقد مي کند که: «ذاتي خاص» هر شی، همانگونه که از عنوانش پیداست، در دیگر اشیاء یافت نمي شود، تا بتوان از قبل، آن را بشناسیم و سپس به وسیله ي آن به شناخت شي دست يابیم، زیرا اگر ذاتي خاص يك شی در دیگر اشیاء یافت شود، دیگر آن، ذاتي خاص آن شی نمي باشد. از طرفي ذاتي خاص يك شی به گونه اي است که به سادگی به صید فهم در نمي آید. سهروردي بر این باور است که نتیجه ي رویکرد مشائي در تعریف حدي به این امر منتهي مي شود، که هم شی و هم ذاتي خاص شی، ناشناخته باقي بماند. (همان، 34، 35 و همان 21 - 20) سپس مي گوید که: اگر آن شی را با امور عامه تعریف کنند، بنا بر نظر خود فلاسفه ي مشائي، چنین تعریفی صحیح نمي باشد. (همان) سهروردي با ذکر مباحثی دیگر در نهایت به این نتیجه مي رسد که: آوردن تعریف حدي بر اساس دیدگاه فلاسفه ي مشائي امري محال است و محال بودنش را بر دو پایه بنیاد نهاد. یکی محال بودن شناخت ذاتي خاص و دیگری، امکان بي خبري از دیگر ذاتیات «پس، روشن شد که